

از داده‌های گذران وقت چه می‌توانیم بیاموزیم؟

مری جویس، جی استوارت[†]

اداره‌ی آمارهای کار ایالات متحد آمریکا

مترجمان:

فریبا سادات بنی‌هاشمی*، محمدحسین امینی مصلح‌آبادی

مرکز آمار ایران

مطالعات اقتصادی غالباً با تصمیم‌گیری مطلوب در زمان رویارویی با محدودیت‌ها و تنگناها ارتباط دارند. توماس جاستر، اقتصاددان، نیز در مقاله‌ی خود در زمینه‌ی داده‌های گذران وقت به این مسئله اشاره کرده است که بیش‌ترین محدودیت برای فعالیت‌های انسان، زمان است.^۱ همه‌ی ما ۲۴ ساعت در هر شبانه‌روز در اختیار داریم تا از آن استفاده‌ی رقابتی کنیم و این‌که چگونه این زمان صرف می‌شود، برای امنیت مالی، بهداشت و سلامت روانی و رضایت عمومی ما اهمیت دارد. هدف از آمارگیری‌های گذران وقت، تعیین روش‌های گوناگون و فراوانی است که افراد، اوقات ارزشمند شبانه‌روز خود را صرف می‌کنند.

داده‌های گذران وقت به پژوهش و تحلیل سیاست‌گذاری‌ها در زمینه‌های گوناگون کمک می‌کند. یکی از این زمینه‌ها که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است، اندازه‌گیری و ارزش‌گذاری فعالیت‌های تولیدی بدون مزد (یعنی کار غیر بازاری) با هدف احتساب ارزش این فعالیت‌ها در حساب اقماری «حساب‌های درآمد و تولید ملی» است. هرچند که انگیزه‌ی ارزش‌گذاری کار غیر بازاری از یک عزم سیاسی اولیه‌ی وری

[†] Mary Joyce and Jay Stewart (1999). What can we learn from time-use data? *Monthly Labor Review* 122, No. 8, pp. 3-6. Available on the Internet at <http://www.bls.gov/opub/mlr/1999/08/art1full.pdf>.

گردآوری داده‌های گذران وقت برخاسته است، این یگانه کاربرد این داده‌ها نیست. این مقاله برخی از کاربردهای داده‌های گذران وقت را مورد بحث و بررسی قرار خواهد داد.

براوردهای ملی

شاید بیش‌ترین کاربرد داده‌های گذران وقت، فراهم آوردن برآوردی ملی از میزان زمانی است که آمریکایی‌ها به فعالیت‌های گوناگون اختصاص می‌دهند. این فعالیت‌ها می‌توانند موارد زیر را در بر گیرند: فعالیت‌های تولیدی غیر بازاری مانند خانه‌داری، تعمیرات و نگهداری خانه، نگهداری از فرزندان، سالمندان و افراد ناتوان، فعالیت‌های اوقات فراغت مانند تماشای تلویزیون، مطالعه‌ی کتاب یا مجله، انجام دادن کارهای ذوقی و سرگرم‌کننده، معاشرت با دوستان و فعالیت‌های غیر فراغتی مانند انتظار در صف، و آمد و رفت روزانه.^۲

اگر داده‌های گذران وقت با اطلاعات جمعیتی مانند آمارهای حاصل از آمارگیری جمعیت جاری دفتر آمارهای نیروی کار (CPS) تلفیق شود، امکان مقایسه‌ی شیوه‌ی گذران وقت میان گروه‌های مختلف فراهم می‌شود. برای مثال، تحلیلگران می‌توانند زمان صرف‌شده برای خانه‌داری و بچه‌داری را بین زنان و مردان مقایسه کنند، فعالیت‌های آموزشی را میان محصلان و غیر محصلان یا بین محصلان در مقاطع مختلف تحصیلی، فعالیت‌های اوقات فراغت را بین والدین مجرد و متأهل، تماشای تلویزیون را بین افراد خانوار یا سطوح مختلف درآمد، و آشپزی و نظافت را بین افراد در سطوح مختلف کار بازاری. اجرای آمارگیری گذران وقت به‌صورت جاری به محققان امکان مطالعه‌ی تغییرات مدت زمان صرف‌شده در طول زمان را نیز می‌دهد.

وجود داده‌های گذران وقت در سطح ملی، مقایسه‌ی الگوی گذران وقت در ایالات متحد آمریکا با الگوی سایر کشورها را آسان می‌سازد. علاوه بر مقایسه‌ی شاخص‌های مادی رفاه مانند محصول ناخالص داخلی، تحلیلگران قادر به مطالعه‌ی این موضوع خواهند بود که آمریکایی‌ها زمان آزاد خود را که ابعاد غیر مادی دارد، چگونه می‌گذرانند.

ارزش‌گذاری کار غیر بازاری

یکی از مسائلی که در «حساب‌های درآمد و تولید ملی ایالات متحد آمریکا» مدت زیادی است مورد انتقاد قرار دارد این است که فقط فعالیت‌های تولیدی انجام‌شده در بازار اقتصادی به حساب آورده می‌شوند و فعالیت‌های تولیدی‌ای که خارج از بازار و به‌ویژه در خانه انجام می‌گیرند، در نظر گرفته نمی‌شوند. در سال‌های اخیر به ارزش‌گذاری پولی کارهای غیر بازاری به‌ویژه میان گروه زنان توجه زیادی شده است. چهارمین کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد در باره‌ی زنان در بیانیه‌ی عملیاتی خود (بند ۲۰۶) بیان می‌دارد که «مؤسسه‌های آماری ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی باید کار بدون مزد را که خارج از حساب‌های ملی انجام می‌گیرد، به‌صورت کمی محاسبه کنند و برای بهبود روش‌های برآورد و انعکاس دقیق ارزش آن در حساب‌های اقماری یا سایر حساب‌های رسمی که جدا از نظام حساب‌های ملی اما سازگار با آن است، تلاش کنند.»^۳

جدا از ارزش‌گذاری دلاری بر روی کارهایی که در خانه انجام می‌شوند، محاسبه‌ی ارزش تولید غیر بازاری، تصویر جامع‌تری از ستانده و درآمد و بهره‌وری کل در ایالات متحد آمریکا ارائه می‌کند. به‌عنوان مثال، نتیجه‌ی افزایش مشارکت زنان در بازار کار، موجب تغییر کار غیر بازاری به کار بازاری شده است. این افزایش در کار بازاری موجب افزایش محصول ناخالص ملی و درآمد سرانه می‌شود، که نتیجه‌ی آن تصویری نسبتاً تحریف‌شده از روندها در تولید و درآمد کل است؛ زیرا کاهش به وجود آمده در کار غیر بازاری هرگز محاسبه نمی‌شود.

ارزش‌گذاری زمان سپری‌شده در فعالیت‌های غیر بازاری، بدون شک پرچالش و بحث‌برانگیز خواهد بود. کار اصلی در اندازه‌گیری کار غیر بازاری این است که تصمیم بگیریم دقیقاً چه چیزی باید اندازه‌گیری شود. به‌منظور تشخیص فعالیت‌های تولیدی و فعالیت‌های شخصی، غالباً «معیار شخص ثالث» به کار می‌رود. با این معیار، اگر بتوان یک فعالیت را با حفظ نتایج دلخواه آن به شخص دیگری محول کرد، آن فعالیت، تولیدی به حساب می‌آید. برای مثال، تهیه‌ی غذا یک فعالیت غیر بازاری در نظر گرفته می‌شود، اما غذا خوردن این‌گونه نیست.^۴

بعد از تصمیم‌گیری در باره‌ی این‌که چه فعالیتی تولیدی است، این فعالیت‌ها باید

ارزش‌گذاری شوند. این ارزش‌گذاری به‌روشن‌های گوناگون انجام می‌شود. یکی از این روش‌ها که «روش خروجی» نامیده می‌شود، خروجی‌ها (یعنی کالاها یا خدمات‌ها)ی این فعالیت‌های تولیدی را مشخص می‌کند و به هر یک از آن‌ها قیمتی را اختصاص می‌دهد. هرچند که این روش از نظر مفهومی به روش ارزیابی کالاهای بازاری در حساب‌های تولید و درآمد ملی نزدیک‌تر است، دسترسی نداشتن به داده‌ها اجرای کار را در عمل دشوار می‌سازد.^۵ در روش دوم به‌نام روش ورودی، برآورد میزان زمان سپری‌شده در فعالیت‌های تولیدی، در نرخ دستمزد ضرب می‌شود. زمان سپری‌شده در کار غیر بازاری به‌آسانی از بررسی‌های گذران وقت به دست می‌آید و نرخ دستمزدها به‌روشن‌های گوناگونی قابل محاسبه است.

برای روشن کردن موضوع، مثال ساده‌ای از ساختن یک دکور چوبی برای یک خانه را در نظر بگیرید. سه نرخ دستمزد برای ارزش‌گذاری این فعالیت می‌توان در نظر گرفت: (۱) نرخ دستمزد خود فرد در شغلی که مشغول به کار است، (۲) نرخ دستمزد حرفه‌ای (یعنی میانگین دستمزد برای یک نجار)، یا (۳) دستمزد کلی (میانگین دستمزد برای یک سرویس‌کار). گرچه هر یک از این روش‌ها مزایا و مشکلاتی دارد، بیش‌تر تحلیلگران روش دستمزد کلی را به کار می‌برند.^۶

سه اشکال برای روش ورودی وجود دارد. نخست این‌که مانند هر کار بازاری، زمان صرف‌شده در یک فعالیت ممکن است نماگر مناسبی برای ارزش‌گذاری محصول تولید شده‌ی آن نباشد. برای مثال، کسی که تا به حال دکور چوبی نساخته نسبت به یک شخص باتجربه در این کار، زمان بیش‌تری برای ساخت آن سپری می‌کند. ثانیاً انتخاب نرخ دستمزد برای ارزش‌گذاری فعالیت‌های گوناگون تا اندازه‌ای غیر واقعی است. سرانجام این‌که بسیاری از فعالیت‌های غیر بازاری، هم‌زمان با سایر فعالیت‌ها انجام می‌شوند (برای مثال، نگهداری کودکان و تماشای تلویزیون). پژوهشگران هنوز در باره‌ی ارزش‌گذاری زمان صرف‌شده برای فعالیت‌های هم‌زمان به توافق نرسیده‌اند.

تأیید و تفسیر سری‌های موجود

داده‌های گذران وقت می‌تواند برای تأیید داده‌های جمع‌آوری شده از آمارگیری‌های دیگر

به تحلیل‌گران کمک کند. داده‌های ساعات کار، نمونه‌ای از آن است. پژوهشگران به این نکته اشاره کرده‌اند که طی بیست سال گذشته میانگین ساعات کار هفتگی، آن‌گونه که آمارگیری اشتغال جاری از کارگاه‌ها نشان داده است، کاهش یافته، در حالی که میانگین ساعات کار در آمارگیری جمعیت جاری از خانوارها تقریباً ثابت مانده است.^۷ این اختلاف ارقام، دقت داده‌های ساعات کار گزارش شده در آمارگیری‌های خانوار را زیر سؤال می‌برد.

جان رابینسون و آن بوستروم، ساعات کار به دست آمده از داده‌های گزارش‌های زمانی را با داده‌های آمارگیری جمعیت جاری مقایسه کردند.^۸ آنان دریافتند که پاسخگویان در آمارگیری‌های خانوار تمایل دارند ساعات کار بیش‌تری گزارش کنند؛ همچنین افرادی که ساعات بیش‌تری کار می‌کنند، تمایل به بیش‌گویی دارند و این گرایش بین سال‌های ۱۹۶۵ و ۱۹۸۵ افزایش یافته است. با وجود این، جری جی کابز با استفاده از «داده‌های آمارگیری ملی تغییر نیروی کار» سال ۱۹۹۲ دریافت که اندازه‌گیری کار هفتگی در آمارگیری‌های شبیه به آمارگیری‌های خانوار با زمان کاری که از بررسی زمان ترک محل کار و برگشت به محل کار (منهای زمان سپری‌شده برای رفت و آمد) به دست می‌آید، همبستگی دارد.^۹ جی کابز بیان کرد که اختلاف بین داده‌های گذران وقت و برآوردهای آمارگیری‌های خانوار در باره‌ی ساعات کار هفتگی ممکن است ناشی از خطای تصادفی اندازه‌گیری در هر دو طرح باشد. اجرای آمارگیری گذران وقت، راه مفیدی برای مطالعه‌ی تمایل پاسخگویان به بیش‌گویی ساعات کار هفتگی در آمارگیری‌های خانوار است.^{۱۰}

اطلاعات موجود در باره‌ی زمان سپری‌شده برای رفت و آمد به محل کار نیز به همین ترتیب می‌تواند با داده‌های گذران وقت تأیید شود. داده‌های ملی در باره‌ی زمان سپری‌شده برای رفت و آمد به محل کار، با طرح این سؤال استاندارد که «معمولاً چند دقیقه طول می‌کشد تا به محل کار برسید؟» به دست می‌آید. این سؤال در آمارگیری از سفرهای کاری در سال ۱۹۹۰ پرسیده شد، که به‌عنوان بخشی از سرشماری ده‌سالانه، توسط دفتر سرشماری آمریکا به اجرا درآمد. این داده‌ها را می‌توان با نتایج آمارگیری گذران وقت مقایسه کرد، که اطلاعات مربوط به زمان آغاز و پایان همه‌ی فعالیت‌ها شامل رفت و آمد به محل کار را گردآوری می‌کند.

داده‌های گذران وقت برای تفسیر داده‌های شاخص قیمت نیز مفید است. یکی از

دلایل مورد بحث برای پایین بودن تورم این است که مصرف‌کنندگان برای برخی خدمات باید انتظار بکشند و تمایل دارند برای یافتن کالای ارزان، به فروشگاه‌های مختلف سر بزنند. برای مثال، سازمان‌های حفظ بهداشت، عموماً هزینه‌ی کمتری بر دریافت‌کنندگان خدمات تحمیل می‌کنند تا برنامه‌های بهداشتی‌ای که به‌ازای خدمات خود وجه دریافت می‌کنند. اما بیمارانی که از خدمات این سازمان‌ها استفاده می‌کنند باید برای ویزیت شدن، بیش‌تر انتظار بکشند. این مسئله روشن می‌کند که مردم به‌طور فزاینده‌ای زمان را جایگزین پول می‌کنند.

یک آمارگیری گذران وقت که به یک طرح « هزینه‌ای » مانند آمارگیری از هزینه‌ی مصرف‌کننده مرتبط شود، امکان منظور کردن « هزینه‌ی زمان » برای یک کالای مشخص را پدید می‌آورد و شاخص قیمت جایگزین را قابل دسترسی می‌کند. در غیاب چنین ارتباطی، داده‌های گذران وقت که در چند دوره‌ی زمانی گردآوری می‌شود، قادر است روند این نوع هزینه‌های زمان را روشن‌تر کند. به‌عنوان مثال، اگر مصرف‌کنندگان زمان بیش‌تری را در انتظار بگذرانند یا برای خرید ارزان قیمت صرف کنند، یک میزان ثابت تورم، مثلاً ۳ درصد در هر سال، دلالت بر فشارهای تورم‌زا دارد.

اندازه‌گیری درآمد واقعی و رفاه

معمولاً تحلیلگران از ابزار کمی، مانند درآمد یا دریافتی واقعی برای برآورد تغییرات کیفی سطح زندگی در طی زمان استفاده می‌کنند. گردآوری اطلاعات در باره‌ی گذران وقت، امکان برآورد کاملی از تغییرات در کیفیت زندگی را به دست می‌دهد. به‌عنوان مثال، گزارش‌هایی در مطبوعات پرفروش به چاپ می‌رسد مبنی بر این‌که برخی افراد، مشاغل با دستمزدهای زیاد و ساعات کاری طولانی را ترک می‌کنند تا شغلی با درآمد کمتر و ساعات کار کمتر داشته باشند. در حالی که این افراد، خود را دارای موقعیت بهتری می‌دانند، هر گونه بررسی با هدف اندازه‌گیری درآمد و دریافتی، دلالت بر این دارد که این افراد در وضع بدتری هستند. داده‌های گذران وقت که با آمارگیری‌های خانوار مانند آمارگیری جمعیت جاری پیوند برقرار می‌کند، به تحلیلگران اجازه می‌دهد که برای سنجش تغییرات در کیفیت زندگی افراد، افزایش در تولید غیر بازاری و اوقات فراغت را

محاسبه کنند.

اندازه‌گیری پیشرفته‌تر درآمد، همچنین تحلیل نابرابری‌های درآمد را که در سال‌های اخیر افزایش یافته است، بهبود می‌بخشد. با وجود این، تحلیل‌هایی که تولید خانگی و اوقات فراغت را نادیده می‌گیرند، ممکن است گمراه‌کننده باشند. این نکته در اندازه‌گیری فقر نیز مطرح است. اندازه‌گیری دسترسی خانوار به مجموعه‌ی گسترده‌تری از منابع، با داده‌های گذران وقت ممکن می‌شود.

تحصیل و آموزش

یکی از شکل‌های مهم سرمایه‌گذاری در هر جامعه‌ای، میزان زمان و منابعی است که برای فعالیت‌های آموزشی کودکان و بزرگسالان صرف می‌شود. بسیاری از فعالیت‌های آموزشی به‌ویژه برای کودکان، بیش‌تر در خانه صورت می‌گیرد تا در مؤسسات آموزشی رسمی. بررسی گذران وقت به‌ویژه هنگامی که به گردآوری اطلاعات در باره‌ی کودکان می‌پردازد، می‌تواند اطلاعاتی در باره‌ی میزان زمان صرف‌شده‌ی کودکان پیش از دبستان برای یادگیری یا ارتباط با والدین و نیز زمان صرف‌شده‌ی کودکان در سن تحصیل برای انجام دادن تکالیف مدرسه به دست دهد. مقایسه‌ی زمان صرف‌شده برای فعالیت‌های آموزشی، چه در طول زمان و چه میان کشورها، آموزنده است.

تغییرات دوره‌های تجارت و سیاست

در حال حاضر، از میزان تأثیر تغییرات سیاست بر رفتار بازار کار افراد، آگاهی کاملی وجود دارد. به‌عنوان مثال، مالیات زیاد بر درآمد موجب کاهش عرضه‌ی نیروی کار می‌شود. اما در باره‌ی تأثیر سیاست‌های دولت بر شیوه‌ی گذران وقت افراد در زمان غیر کاری، اطلاع اندکی وجود دارد. آیا مردم بیش‌تر درگیر تولید غیر بازاری هستند یا وقت خود را بیش‌تر به تفریح می‌گذرانند؟ داده‌های گذران وقت می‌تواند این موضوع را روشن کند.

اگر داده‌های گذران وقت، مانند آمارگیری‌های خانوار، به‌طور پیوسته گردآوری شود، تحلیلگران می‌توانند تغییرات الگوی گذران وقت را در یک چرخه‌ی تجاری بررسی کنند.

به‌عنوان مثال، بررسی کنند که در یک دوره‌ی رکود اقتصادی، آیا مردم به‌جای غذا خوردن در بیرون از خانه، به غذای پخته‌شده در خانه گرایش پیدا می‌کنند؟ آیا به‌جای استفاده از خدمات لباس‌شویی‌های تجاری، شستن لباس‌ها توسط خود افراد صورت می‌گیرد؟ همچنین داده‌های گذران وقت برای مطالعه‌ی این‌که افراد بیکار چگونه وقت خود را می‌گذرانند، چه مقدار زمان برای جستجوی کار، فعالیت‌های بازآموزی و آموزشی، تولید غیر بازاری و اوقات فراغت صرف می‌کنند، مورد استفاده قرار می‌گیرد. بررسی گذران وقت میان افراد بیکار به بهبود تعاریف در باره‌ی کارگران دلسرد و بدون انگیزه نیز کمک می‌کند.

کاربردهای تجاری و حقوقی

بازاریابی، یکی از عرصه‌های تجارت است که می‌تواند از داده‌های گذران وقت بهره بگیرد. بازاریاب‌ها از این اطلاعات برای تعیین چگونگی گذران وقت در فعالیت‌های گوناگون (مثلاً، تماشای تلویزیون، گوش کردن به رادیو، خرید کردن، غذا خوردن در بیرون از خانه) بر اساس ویژگی‌های اجتماعی، دریافتی و درآمد استفاده می‌کنند.

داده‌های گذران وقت، کاربرد حقوقی هم دارد. به‌عنوان مثال، این داده‌ها برای برآورد خسارت‌های اقتصادی ناشی از جراحات شخصی و مرگ‌های ناشی از خطای افراد کاربرد دارد. عموماً خسارت‌های اقتصادی در وهله‌ی اول، عواید از دست رفته را در بر می‌گیرد. ارزش تولیدات خانگی، یا در ارزش‌گذاری حذف می‌شود یا مبتنی بر داده‌های آمارگیری‌های سنتی است یا در برآوردهای باقی‌مانده‌ی تولیدات غیر بازاری ایجاد می‌شود. داده‌های گذران وقت در سطح ملی، تصویر کامل‌تری از زیان‌های اقتصادی همراه با جراحات و مرگ ناشی از خطای افراد ارائه می‌کند.

زمان‌بندی فعالیت‌ها

بررسی گذران وقت، علاوه بر فراهم کردن اطلاعات در باره‌ی طول زمان صرف‌شده در فعالیت‌های گوناگون، می‌تواند زمان انجام دادن فعالیت‌ها در طول روز و ترتیب آن‌ها را نیز

بیان کند. چنین اطلاعاتی کاربردهای پژوهشی متنوعی دارد. مثلاً، این که افراد کی و چگونه می‌خوابند، برای پژوهشگرانی که علاقه‌مند به مطالعه‌ی الگوهای خواب افراد هستند، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. داده‌های مربوط به زمان کار افراد، به‌منظور تعیین دستمزد مناسب برای جبران خدمات کارکنان در زمان‌های نامطلوب کاربرد دارد. روان‌شناسان نیز برای مطالعه‌ی میزان و ماهیت تأثیرات چندپیشگی، از این داده‌ها بهره می‌گیرند. چه افرادی در یک زمان، بیش از یک کار را انجام می‌دهند؟ چه نوع فعالیت‌هایی معمولاً با هم گروه‌بندی می‌شوند؟

از آن‌جا که بررسی‌های گذران وقت، اطلاعاتی در باره‌ی همه‌ی فعالیت‌هایی که افراد در ۲۴ ساعت درگیر آن هستند گردآوری می‌کنند، داده‌های گذران وقت، پوشش گسترده و قابل توجهی دارد. در دسترس بودن چنین اطلاعاتی به پژوهشگران اجازه‌ی پاسخ به مجموعه‌ای از سؤالات را می‌دهد که مدت‌ها به‌علت فقدان آمار، نادیده گرفته می‌شد. در این مقاله، برخی از کاربردهای بالقوه‌ی داده‌های گذران وقت را برشمردیم. بدون شک، ما فقط به کلیات پرداختیم. همچنان که ربه‌کا بلانک^۱ اقتصاددان شورای مشاوران اقتصادی، در یک کنفرانس آکادمی ملی علوم آمریکا گفته است: پس از دستیابی به داده‌های گذران وقت، پژوهشگران متعجب خواهند شد که تا کنون بدون این داده‌ها چگونه تحلیل می‌کرده‌اند.

پژوهشگاه ملی توضیحات طاعات فرهنگی

تا جامع علوم انسانی؟

^۱ نگاه کنید به

F. Thomas Juster (1999). Time use data: analytic framework, descriptive findings, and measurement issues. Paper prepared for the Workshop on Measurement and Research on Time Use, National Academy of Sciences, Washington.

^۲ برای بررسی جزئیات بیشتر در باره‌ی نظام‌های گوناگون طبقه‌بندی فعالیت‌ها، که از آن‌ها برای اطلاع از راه‌های گذران وقت افراد استفاده می‌شود، نگاه کنید به مقاله‌ی لیندا استینسون (Linda Stinson) در همان شماره از نشریه‌ای که مقاله‌ی ما در آن چاپ شده است.

^۳ نگاه کنید به

United Nations (1995). *Platform for Action, Report from the Fourth World Conference on Women*. United Nations, Beijing. Available on the Internet at <http://www.undp.org/fwcw/dawoff.htm>

^۴ معیار شخص ثالث، عمومی‌ترین معیار برای تشخیص کار بدون مزد از فعالیت‌های فردی است. با این حال، اداره‌ی آمار کانادا و مؤسسه‌ی بین‌المللی آموزش و پژوهش برای پیشرفت زنان، معیار دیگری ارائه کرده است که از آن برای ارتقا بخشیدن به معیار شخص ثالث استفاده می‌شود. نگاه کنید به Statistics Canada (1995). Household' unpaid work: measurement and valuation. Catalogue No. 13-603E. No. 3 occasional, Statistics Canada, Ottawa;

^۵ International Research and Training Institute for the Advancement of Women (1995). Measurement and valuation of unpaid contribution: accounting through time and output. Santo Domingo, Dominican Republic.

دانکن آیرون مانگر (Duncan Ironmonger) در باره‌ی ساختار حساب‌های ملی خانوار گفته است که باید کاملاً جدا، اما قابل قیاس با حساب‌های درآمد و تولید ملی (که به‌نظر وی باید به حساب‌های ملی بازاری تغییر نام یابد) باشد. این حساب‌ها نه تنها خروجی تولید خانوار را اندازه می‌گیرند، بلکه استفاده‌ی خانوار از نیروی کار، سرمایه و مواد مصرفی را نیز محاسبه می‌کنند. به‌منظور تولید چنین حساب‌هایی وی سه نوع آمارگیری خانوار را اساسی دانسته است: بررسی گذران وقت خانوار، آمارگیری هزینه‌ی خانوار، و آمارگیری ستانده‌ی خانوار. به‌گفته‌ی آیرون مانگر، آمارگیری آخر تا کنون از سوی هیچ‌کدام از اداره‌های ملی آمار انجام نشده است. نگاه کنید به

Duncan Ironmonger (1997). National accounts of household productive activities. Paper prepared for the Conference on Time Use, Non-Market Work, and Family Well-Being, Bureau of Labor Statistics and the McArthur Foundation, Washington.

^۶ نگاه کنید به

Luisella Goldschmidt-Clermont (1993). Monetary valuation of non-market productive time: methodological considerations. *Review of Income and Wealth* 39, No. 4, 419-434;

Chris Jackson (1997). The valuation of unpaid work-a Canadian perspective. Paper prepared for the Conference on Time Use, Non-Market Work, and Family Well-Being, Bureau of Labor Statistics and the McArthur Foundation, Washington;

^۷ Steven Landefeld and Stephanie Howell (1997). Accounting for nonmarketed household production within a national accounts framework. mimeo.

^۸ نگاه کنید به

Katharine Abraham, James Spletzer, and Jay Stewart (1998). Divergent trends in alternative wage series. In *Labor Statistics Measurement Issues*, John Haltiwanger, Marilyn Manser, and Robert Topel, eds., University of Chicago Press, Chicago;

⁹ John Robinson and Geoffrey Godbey (1997). *Time for Life: The Surprising Ways Americans Use Their Time*. Pennsylvania State University Press, University Park, PA.

توجه کنید که سطوح دو روش اندازه‌گیری ممکن است متفاوت باشند، زیرا مفاهیم متفاوتی را اندازه‌گیری می‌کنند («ساعات کار» در آمارگیری‌های خانوار و «ساعات پرداختی» در آمارگیری هزینه‌ی مصرف). با این حال، این مسئله نباید روندها را تحت تأثیر قرار دهد.

⁸ نگاه کنید به

John Robinson and Ann Bostrom (1994). The overestimated workweek? What time diary measures suggest. *Monthly Labor Review*, August, pp. 11-23.

⁹ نگاه کنید به

Jerry A. Jacobs (1998). Measuring time at work: are self-reports accurate? *Monthly Labor Review*, December, pp. 42-53.

¹⁰ در استفاده از داده‌های گذران وقت برای اصلاح ساعات آمارگیری خانوار، دو اشکال وجود دارد. اولاً، گذران وقت در یک دوره‌ی ۲۴ ساعته اندازه‌گیری می‌شود؛ بنا بر این، مقایسه فقط با بازسازی ساعات کار هفتگی به صورت مصنوعی امکان‌پذیر است. ثانیاً، اثر گزارش‌های نمونه در آمارگیری خانوار، که ممکن است تفاوت‌هایی بین اطلاعات نیروی کار خانوار و داده‌های گذران وقت خانوار ایجاد کند، قابل تعیین نیست.

¹¹ Rebecca Blank

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرويشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني